

۱۲۵۲۵۹۷
۲۲/۲/۱۹

عصرهای کریسکان

خاطرات امیر سعیدزاده
خاطره‌نگار: کیانوش گلزار راغب



انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه مهری)



دفتر ادبیات و هنر مقاومت

عصرهای کریسکان

خاطرات امیر سعید زاده، خاطره نگار، کیانوش گلزار راغب

طراح جلد: ایراهیم کاشانی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: ویژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳۰-۱۲۳-۱

سرشناسه: امیر سعید زاده / خاطره نگار، کیانوش گلزار راغب
عنوان و نام پدیدآور: عصرهای کریسکان / خاطرات [برای] دفتر ادبیات
و هنر مقاومت

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص: عکس.

ISBN: 978-600-03-123-1

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: مقاومت / خاطره / جنگ ایران و عراق

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- آزادگان -- خاطرات

شناسه افزوده: امیر، سعید زاده، ۱۳۴۴ -

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه مهری

رده بندی کنگره: ۱۳۶۵/۷۹۱۳/DSR۱۸۶۹

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۶۵۹۹۴

شماره کتایبشناسی ملی: ۵۲۶۵۸

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۲۳

شماره پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۹۴۴۳ سامانه پیامک: ۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز یخس: (بلج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sorehmeir.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۰۰۹	مقدمه
۰۱۱	اول: سعید
۰۲۳	دوم: سعدا
۰۴۷	چهارم: سایه غمبار
۰۵۵	پنجم: میرآباد
۰۷۱	ششم: راه ناپیدا
۰۷۵	هفتم: برده‌سور
۰۹۵	هشتم: مام رحمان
۰۹۹	نهم: پاک‌سازی
۱۱۵	دهم: خانواده
۱۱۷	یازدهم: آلان
۱۲۵	دوازدهم: همکار خاموش
۱۲۷	سیزدهم: پوره، توپ کوره
۱۴۳	چهاردهم: زیارت غنچه

۱۴۵	پانزدهم: شیمیایی
۱۵۹	شانزدهم: پرواز علی
۱۶۵	هفدهم: کریسکان
۱۷۵	هیجدهم: ملاقات اول
۱۸۳	نوزدهم: قبر موقت
۱۹۱	بیستم: مادر برام قصه بگو
۱۹۹	بیست و یکم: چای عصرانه
۲۰۹	بیست و دوم: سوز سرما
۲۱۷	بیست و سوم: خدا نگهدار سَعدا
۲۲۵	بیست و چهارم: چوب خدا
۲۲۹	بیست و پنجم: کوی سنجاق
۲۳۵	بیست و ششم: رنگ و خُصار
۲۴۱	بیست و هفتم: آقا معلم
۲۴۹	بیست و هشتم: نامه‌ها، عکس‌ها و اسناد

در دوران اسارت به دست کومله، با شخصیتی گنگ و مرموز هم‌اتاق بودم که تا سی سال بعد نتوانستم زوایای پنهان شخصیت گمنامش را کشف کنم. در آن زمان، با شناختی که از رفتار و کردار او کسب کرده بودم، کمکش کردم تا از زندان کومله فرار کند. کمک به فرار اسیری که اگر لو می‌رفتم، حکم مرگم را با دست خود امضاء کرده بودم.

در کتاب شنام، قسمتی از شخصیت «سعید سردشتی» را همان‌گونه که درک کرده بودم، بدون هیچ قضاوتی شرح داده و بازگو کردم. بعد از چاپ کتاب شنام، به همایش کتاب‌خوانی شنام در جمع دانش‌آموزان و فرهنگیان و مسئولین دیار سید جمال‌الدین اسدآبادی به شهر اسدآباد دعوت شدم تا ساعتی در کنار همشهریان بزرگواریم باشم. همین که وارد سالن همایش شدم، تلفن همراهم زنگ خورد و با سلام و علیکی، صدایی گفت: «تو فکر کردی من شهید شدم؟»

با تعجب گفتم: «خدا نکنه! چطور مگه؟» گفت: «ولی من فکر می‌کردم تو شهید شده باشی!» گفتم: «می‌بینی که زنده‌ام، شما؟» گفت: «سعید سردشتی هستم...!»

تلفن را قطع کردم و گفتم: «تماس می‌گیرم.»

با گذشت سی سال هنوز نمی‌دانستم سعید سردشتی کیست و چه‌کاره است! دوست است یا دشمن! در طول همایش، نظاره‌گر علاقه سرشار دانش‌آموزان اسدآبادی به شهدای شنام، و سخنرانی‌های جالب و جذاب مسئولین شهر و شیفتگان دفاع مقدس از روایت شنام بودم، ولی لحظه‌ای نتوانستم سعید سردشتی را فراموش کنم. بعد از پایان مراسم، با او تماس گرفتم و حاصل آن تماس، نگارش کتاب عصرهای کریسکان (معدن سنگ‌های صیقل‌خورده) را در پی داشت که اینک پیش روی شماست.

عصرهای کریسکان، کوزه آبی است از چشمه‌ساران کردستان، که ظرف سه سال تفکر و تأمل و پیگیری، چهل ساعت گفت‌وگو و مصاحبه با آقای امیر سعیدزاده - سعید سردشتی - و همسر گرامی ایشان، سرکار خانم سعدا حمزه‌ای، و روزها و ساعت‌ها مصاحبه تکمیلی و پراکنده با رزمندگان و خانواده‌های معظم شهدای نام برده‌شده در کتاب، انجام سفرهای تحقیقاتی و میدانی در منطقه سردشت، به رشته تحریر درآمده است.

از خانواده‌های معظم شهدای سردشت که با ارسال عکس و ارائه توضیحات تکمیلی یاری‌ام دادند تشکر می‌کنم. از همکاری صمیمانه دوستان دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری و انتشارات سوره مهر سپاسگزارم.

اردیبهشت ۱۳۹۳

کیانوش گلزار راغب

E-mail: Kianushgolzar@gmail.com